



امر به معروف و نهی از منکر

در آثار استاد مطهری (ره)

معصومه برزگر
دبیر دین و زندگی شهرستان میاندورود

سیده رقیه سیدی جربندی
دبیر دین و زندگی شهرستان نکا

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر، که بدون آن، دیگر احکام اسلامی فرصت ظهور و بروز شایسته را نخواهند یافت، از ارکان تعالیم اسلامی است. این اصل، شاه کلید وصول به مدینه فاضله‌ای است که آرمان پیشوایان دین اسلام بود؛ همان مدینه فاضله‌ای که چند سالی در مدینه النبی صدر اسلام به جوانه نشست و در اندک زمانی تمدن عظیم اسلامی را به رخ جهانیان کشید اما دیرزمانی نگذشت که دسیسه دشمنان در قطع ریشه این جوانه نوپا کارگر شد و پایست پیشرفت این تمدن نو، آغاز گردید و ناقوس پسرفت و عقب ماندگی با فراموشانده شدن این اصل اصیل و رکن رکن اسلامی و به راه افتادن جنگ‌های داخلی و فتنه‌های مذهبی نواختن گرفت و بدان جا رسید که امروز، پیشرفت علم و قدرت از آن دشمنان و عقب ماندگی و جهان سومی از آن جوامع اسلامی شده است.

هر چند بیداری اسلامی سال‌هاست که آغاز شده، اما بدون شک احیای این اصل مهم، تأثیر بسزایی در تداوم و افزایش بیداری جامعه و بازگشت به دوران طلایی تمدن عظیم اسلامی خواهد داشت. اصلی که به تعبیر استاد شهید مرتضی مطهری (ره)، «یک اصلاح مستمر اجتماعی» است. ایشان در آثار خود جایگاه ویژه‌ای برای امر به معروف و نهی

از منکر قائل شده است. حتی در دو ماه و نیمی که آن متفکر شهید، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در قید حیات بود، تأکید ویژه‌ای بر این اصل داشت و در مصاحبه‌ای، طرح دایره امر به معروف و نهی از منکر را، که زیر نظر روحانیت اداره شود و بر امور جامعه، اعم از دولت و مردم نظارت داشته باشد، ارائه نمود ولی پس از شهادت آن فرزانه روزگار، حاصل عمر و پاره تن امام خمینی (ره)، توجه کافی به این اصل صورت نگرفت و امروز نیز، توجه جدی به این اصل اساسی وجود ندارد و بسیاری از مشکلات جامعه کنونی ما ناشی از همین کم توجهی به اصل امر به معروف و نهی از منکر است؛ هر چند همواره به اصلاح این امر امیدواریم.

مقاله حاضر با هدف بررسی شرایط امر به معروف و نهی از منکر به عنوان عوامل تأثیرگذار در این وظیفه خطیر و با این فرضیه که امر به معروف و نهی از منکر از نظر اجرایی در دین اسلام شرایطی دارد؛ به بررسی مطالب استاد (ره) در سخنرانی‌ها و تألیفات ایشان که در تبیین و احیای این اصل مهم ایراد فرمودند پرداخته است. به علاوه از متون شریعت اسلامی، به ویژه نهج البلاغه، نیز بهره برده است.

◀ **کلیدواژه‌ها:** اجتماع، امر، نهی، معروف، منکر، عطفوت، عمل



شرایط امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، که در آثار استاد مطهری (ره) به اصل «فراموش شده» تعبیر شده است، قبل از هر چیزی شرایطی دارد که یک مصلح باید آن شرایط را بررسی نماید و طبق آن عمل کند، در غیر این صورت نتیجه نامطلوبی دارد؛ چیزی که اسلام خواهان آن نیست. نویسندگان این مقاله با مراجعه به آثار استاد مطهری (ره)، بعضی از این شرایط را تهیه و تنظیم نمودند که به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بصیرت دینی و عملی

وظیفه امر به معروف و نهی از منکر قبل از هر چیز، دو شرط اساسی دارد. یکی بصیرت در دین و دیگری بصیرت در عمل. اگر بصیرت در دین نباشد، زبان این کار از سودش بیشتر است و اما بصیرت در عمل، لازمه دو شرطی است که در فقه از آن‌ها به «احتمال تأثیر» و «عدم ترتب مفسده» تعبیر شده است و بازگشت آن به دخالت دادن منطق در این دو تکلیف است. یعنی امر به معروف و نهی از منکر برای این است که «معروف» رواج گیرد و «منکر» محو شود.

پس در جایی باید امر به معروف و نهی از منکر نمود که احتمال ترتب این اثر در بین باشد. اگر می‌دانیم که قطعاً بی‌اثر باشد دیگر وجوب چرا؟ و دیگر اینکه اصل تشریع این عمل برای آن است که مصلحتی انجام گیرد؛ قهراً در جایی باید صورت بگیرد که مفسده بالاتری بر آن مترتب نشود. لازمه این دو شرط، بصیرت در عمل است. آدمی که بصیرت در عمل ندارد، نمی‌تواند پیش‌بینی کند که آیا اثری بر این کار مترتب است یا خیر و آیا مفسده بالاتری را دربردارد یا خیر.

این است که امر به معروف‌های جاهلانه، افسادش از اصلاح بیشتر است. در سایر تکالیف گفته نشده که شرطش احتمال ترتب فایده است و اگر احتمال اثر دارد باید انجام داد؛ حال آنکه در هر تکلیفی، فایده و مصلحتی منظور است اما تشخیص آن مصلحت‌ها برعهده مردم گذاشته نشده است. درباره نماز، روزه، حج، زکات یا جهاد چنین قیدی ذکر نشده که اگر دیدی این اعمال را بپوشان، انجام بده و اگر مضر است ترک کن؛ اما در باب امر به معروف و نهی از منکر این قید وجود دارد که آیا این عمل در جهت صلاح اسلام و مسلمین است یا خیر. یعنی تشخیص مصلحت برعهده خود عاملان اجراست. در این تکلیف هر کسی حق دارد، بلکه واجب است که منطق، عقل و بصیرت در عمل



و توجه به فایده را دخالت دهد و این عمل، تبعیدی صرف نیست (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۲۴۸).

این شرط که اعمال بصیرت در امر به معروف و نهی از منکر واجب است، مورد اتفاق جمیع فرق اسلامی به استثنای خوارج است. آن‌ها روی همان جمود، خشکی و تعصب خاصی که داشتند می‌گفتند: امر به معروف و نهی از منکر تعبد محض است و شرط احتمال اثر و عدم ترتب مفسده را ندارد. طبق همین عقیده با علم به اینکه کشته می‌شوند، خونشان هدر می‌رود و با علم به اینکه هیچ اثر مفیدی بر قیامشان مترتب نیست، قیام و یا ترور می‌کردند. خوارج نه بصیرت دینی داشتند و نه بصیرت عملی. مردمی نادان و فاقد بصیرت بودند و در عمل نیز اساساً منکر بصیرت بودند؛ زیرا این تکلیف را امری تبعیدی می‌دانستند و مدعی بودند که باید چشم بسته انجام داد (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۰۹). به‌طور مثال، یک نفر از آن‌ها تنها می‌آمد و در حضور یک خلیفه سفاک، مانند عبدالملک، می‌ایستاد، با علم به اینکه حرفی که می‌زند اثر ندارد و ممکن است باعث کشته شدنش هم بشود، به او فحش می‌داد و بعد هم کشته می‌شد. حضرت علی (ع) سبب انقراض آن‌ها شد. بزرگ‌ترین علت انقراض آن‌ها این بود که منطق را در کارشان، به‌ویژه در امر به معروف و نهی از منکر، دخالت نمی‌دادند. حال آن که دخالت دادن منطق، یک اصل است (عزیزی، ۱۳۷۹: ۸۶).

حسن نیت و اخلاص

یکی دیگر از عوامل مؤثر در امر به معروف و نهی از منکر، حسن نیت و اخلاص است (مطهری، ۱۳۸۶: ۸۶). البته مقصود، تنها اخلاص نیت به مفهوم فقهی نیست که قصد قربت داشته باشد بلکه مقصود این است که خود را برای دین خالص کند و دین را هدف نهایی قرار دهد نه اینکه دین را برای هدف دیگر، ولو به قصد قربت، بخواد (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۲۵۵).

دعوت عملی

سومین شرط وجودی امر به معروف و نهی از منکر آن است که واعظ، اهل عمل باشد. هیچ چیز بشر را بیشتر از عمل تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. اگر مردم از انبیا و اولیا بیشتر از حکما و فلاسفه پیروی می‌کنند، برای این است که فلاسفه فقط مکتب و تئوری دارند ولی انبیا علاوه بر فرضیه، اهل عمل‌اند و به آنچه می‌گویند، خودشان عمل می‌کنند. در حدیث آمده است: «کُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ السَّنَتِكُمْ»

(الکلینی الرازی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۷۸). مردم را با ابزاری غیر از زبان، یعنی ابزار عمل، به دین حق و صلاح دعوت کنید. شیخ ابوجعفر طوسی، معروف به «شیخ الطائفه» در کتاب «نهایه»، که از متون معتبر فقه اسلامی است، می‌فرماید: «امر به معروف، هم به وسیله دست می‌شود و هم به وسیله زبان. اما به وسیله دست معنایش این است که خودش شخصاً عامل کار خیر باشد و عملاً از منکرات اجتناب کند تا مردم خود به خود به او تأسی جویند. اما به وسیله زبان به این نحو است که مردم را دعوت کند و نوید بدهد که در دنیا مورد ستایش و در آخرت، مشمول پاداش الهی واقع می‌شوند و آن‌ها را از کیفرهای بد بترساند؛ بعد می‌فرماید: یک قسم از امر به معروف، یدی و عملی است که طرف را تأدیب کند و گاه منجر به قتل نفس و جراحت می‌شود ولی اگر مستلزم زدن و قتل نفس باشد، بدون دستور حکومت شرعی جایز نیست» (الطوسی، بی‌تا: ۳۰۰-۲۲۹).

تاریخ نشان می‌دهد، حضرت علی (ع) هرگز مردم را به چیزی امر نمی‌کرد مگر اینکه اول خودش به آن عمل کرده باشد. ایشان در خطبه ۱۷۴ می‌فرمایند: «من هرگز شما را از چیزی نهی نمی‌کنم مگر اینکه قبلاً خودم آن را ترک کرده باشم» (عبده، بی‌تا، ج ۲: ۹۰).

پس امر به معروف و نهی از منکر از طریق حسن عمل، سبب مؤثر و کاملی است و ممکن نیست بی‌اثر بماند، خصوصاً اگر به پند و اندرزهای خوب زبانی ضمیمه شود؛ چرا که هر مقامی سخنی را ایجاب می‌کند و هر دردی دوايي دارد. بهداشت و معالجه روح مردم از معالجه بدن آن‌ها مشکل‌تر و پر پیچ‌وخم‌تر است.

عطوفت داشتن

شرط اساسی دیگر این است که مصلح، برای امر به معروف و نهی از منکر با انگیزه رحمت قیام نماید و از هرگونه عناد به‌دور باشد (مطهری، ۱۳۸۵ هـ. ش، ج ۱۰: ۲۶۸). حضرت علی (ع) می‌فرماید: «وَ اَنْمَا يَنْبَغِي لِاهْلِ الْعُصْمَةِ وَ الْمَنْصُوعِ إِلَيْهِمْ فِي السَّلَامَةِ أَنْ يَرْحَمُوا أَهْلَ الذُّنُوبِ وَ الْمَعْصِيَةِ». (عبده، بی‌تا، ج ۲: ۲۵)؛ سزاوار است کسانی که از معاصی دوری گزیده‌اند و خداوند نعمت پرهیز از گناهان را به آن‌ها بخشیده است، به گناه‌کاران و کسانی که زیر بار فرمان خدا و رسول نمی‌روند، مهربانی کنند. افلاطون نیز معتقد است، باید با مجرمین با ترحم رفتار کرد... (همان: ۲۴۸).

خونسردی

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در امر به معروف و نهی از منکر این است که مصلح، در عین اینکه از جنبه‌های عمومی فوق‌العاده حساس باشد، از جنبه‌های شخصی و فردی حساس نباشد، بلکه بر اعصابش تسلط داشته و به فرموده استاد(ره)، پیراهنی از پولاد پوشیده باشد.

روزی امیرالمؤمنین (ع) بر منبر بود. مردی آمد و سؤالی کرد. علی (ع) فی البداهه، جواب گفت. یکی از خارجی‌ها از بین مردم فریاد زد: قَاتِلَهُ اللَّهُ مَا أَفْقَهُهُ! خدا بکشد این را، چقدر دانشمند است! وقتی دیگران خواستند متعرضش شوند، امام فرمود: رهايش كنيد، او تنها به من فحش داد و نفرین کرد. مشاهده می‌شود که حضرت (ع) در عمل، به این ناسزاگویی اهمیت نداده است (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۲۳). پس مصلح نمی‌تواند، حساس، زودرنج و به اصطلاح نازک نارنجی باشد (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۲۶۹).

تجسس نکردن از عیوب مردم

در سنت معصومین (ع)، تجسس از عیوب مردم منع شده است. حضرت علی (ع) در نامه ۵۳ به مالک اشتر می‌نویسد: «و باید از رعیت، کسی را بیش از همه دور و دشمن داشته باشی که به گفتن زشتی‌های مردم اصرار دارد؛ زیرا مردم را عیوب و زشتی‌هایی است که سزاوارتر کس، برای پوشاندن آن‌ها، حاکم است. پس آنچه از زشتی‌های مردم به تو پوشیده است، پی مکن (کنجکاوی منما) که بر توست، پوشیدن آنچه از زشتی‌های ایشان بر تو آشکار شود، و خدا بر آنچه از تو پنهان است، حکم می‌فرماید.» (عبده، بی‌تا، ج ۳: ۸۶).

به این ترتیب، والی حق ندارد به بهانه امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح جامعه، موجبات آزار مردم را فراهم کند و آزادی فردی آن‌ها را سلب نماید. مصلحان نیز فقط درمورد منکراتی که علنی است و به آن‌ها تجاهر می‌شود حق تعرض دارند و مجاز به تجسس و مداخله در اموری که مربوط به زندگی خصوصی مردم است، نیستند. ولی اکنون هم باید بدانیم بسیاری از نهی از منکرها روی قانون امر به معروف و نهی از منکر نیست بلکه خود آن‌ها منکراتی است که باید جلویشان گرفته شود (مطهری، ۱۳۸۶: ۸۶).

حریت و شجاعت

یکی دیگر از عوامل مؤثر در امر به معروف و نهی از منکر شجاعت، آزاد منشی و حریت است؛ به‌طوری که فرد نه در



امر به معروف، هم به وسیله دست می‌شود و هم به وسیله زبان. اما به وسیله دست معنایش این است که خودش شخصاً عامل کار خیر باشد و عملاً از منکرات اجتناب کند تا مردم خود به خود به او تأسی جویند

بند تعظیم عوام باشد و نه طمع به مال آن‌ها داشته و نه اهل رشوت و رفاقت باشد. با شرایط نام‌برده که خلاصه‌اش همان آزاد منشی و آزادی است، می‌تواند مصلح باشد. وجود این شرایط در ادیب، فقیه، حکیم، منجم، هنرمند و صنعتگر لازم نیست (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۲۶۸).

حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «لَا يَقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُصَانِعُ وَلَا يُضَارِعُ وَلَا يَتَّبِعُ الْمُطَامِعَ» (عبده، بی‌تا، ج ۴: ۲۵)؛ حکم و فرمان خداوند سبحان را اجرا نمی‌کند، مگر کسی که (با آن که می‌خواهد حکم خدا را درباره‌اش اجرا نماید) مدارا و همراهی نکند و (با او) فروتنی ننماید و در پی طمع‌ها و آرزوها نرود. مراد از جمله «لَا يُصَانِعُ» یعنی معامله‌گر نباشد و مراد از جمله «لَا يُضَارِعُ» یعنی مشابه افراد قوم فاسد خود نباشد و مانند آن‌ها عمل نکند و معنای جمله «وَلَا يَتَّبِعُ الْمُطَامِعَ» این است که حر و آزاده باشد.

گفته شد که امر به معروف و نهی از منکر، متوقف بر شجاعت است و جمله «یصانع» هم بیانگر شجاعت است؛ ولی از آنجا که عقل و منطق باید در امر به معروف دخالت کند، لذا شجاعت باید مقرون به منطق باشد. شجاعت به منزله الماس برنده چند لبه‌ای است که چگونگی اثراتش کاملاً بستگی دارد به طرز استعمال و موارد استعمال هر یک از آن لبه‌ها. خوارچ نمونه‌ای از کسانی هستند که یکی از اصول آن‌ها امر به معروف بود ولی بدون توجه به منطق، اثر و طرز استعمال؛ آن‌ها متهور بودند نه شجاع (همان: ۲۸۰).

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه بیان شد، می‌توان به نتایج ذیل دست یافت:

۱. وظیفه امر به معروف و نهی از منکر قبل از هر چیز دو شرط اساسی دارد: یکی بصیرت در دین و دیگری بصیرت در عمل.

۲. بصیرت در عمل لازمه دو شرطی است که در فقه از آن‌ها به «احتمال تأثیر» و «عدم ترتب مفسده» تعبیر شده است و بازگشت آن به دخالت دادن منطق است در این دو تکلیف.

۳. در این تکلیف هر کسی حق دارد بلکه واجب است که منطق، عقل و بصیرت در عمل و توجه به فایده را دخالت دهد و این عمل، تعبدی صرف نیست.

۴. این شرط، که اعمال بصیرت در امر به معروف و نهی از منکر واجب است، مورد اتفاق جمیع فرق اسلامی به استثنای خوارچ است.



از عوامل مؤثر در امر به معروف و نهی از منکر شجاعت، آزاد منشی و حریت است؛ به‌طوری که فرد نه در بند تعظیم عوام باشد و نه طمع به مال آن‌ها داشته و نه اهل رشوت و رفاقت باشد

۵. خوارچ نه بصیرت دینی داشتند و نه بصیرت عملی. آنان مردمی نادان و فاقد بصیرت، بلکه اساساً منکر بصیرت در عمل بودند، زیرا این تکلیف را امری تعبدی می‌دانستند و مدعی بودند باید با چشم بسته انجام داد. اولین جریان جمودی که در دنیای اسلام پیش آمد، همین جمودی است که این‌ها به خرج دادند.

۶. در میان ما در اجرای امر به معروف و نهی از منکر آن چیزی که بیشتر مورد توجه است، دو وسیله است: یکی گفتن و دیگری اعمال زور.

۷. در اخبار وارد شده امر به معروف و نهی از منکر سه مرحله دارد: مرحله قلب، مرحله زبان و مرحله ید و عمل. ۸. ما به غلط برای گفتن و نوشتن اعجاز قائل هستیم و آن را یگانه دارو می‌دانیم؛ در صورتی که گفتن بیان دارو است نه خود دارو.

۹. پیش قدمی در عمل، بهترین طریق اجرای امر به معروف است. در نهی از منکر هم باید با فساد مبارزه نمود نه با فاسد.

۱۰. در امر به معروف و نهی از منکر باید به عمل اجتماعی، همکاری، هم‌فکری و مشارکت توجه نمود. از تصمیم و عمل فردی کاری ساخته نیست. دستور اسلام این است که تفکر، تفکر اجتماعی باشد.

۱۱. آنچه در امر به معروف و نهی از منکر بیش از هر چیز دیگر مورد غفلت واقع شده دخالت منطق است در این کار. مقصود این است که در کار معروف و منکر باید تدابیر عملی اندیشید و باید دید چه طرز عملی، مردم را نسبت به فلان کار نیک تشویق می‌کند و مردم را از فلان عمل زشت باز می‌دارد.

منابع

۱. محمد بن الحسن الطوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، قدس رضوی، قم، بی‌تا.
۲. عبده، الشیخ محمد؛ نهج البلاغه، دارالمعرفة، بیروت، بی‌تا.
۳. عزیزی، عباس، علی (ع) از زبان استاد شهید مرتضی مطهری (ره)، سلسله، قم، ۱۳۷۹.
۴. محمد بن یعقوب الکلینی الرازی، اصول الکافی، اسلامیة، تهران، ۱۳۶۲.
۵. مطهری، مرتضی، یادداشت‌های استاد مطهری (ره)، صدرا، تهران، ۱۳۸۵.
۶. مطهری، مرتضی، اسلام و نیازهای زمان، صدرا، تهران، ۱۳۸۶.
۷. مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه علی (ع)، صدرا، تهران، ۱۳۸۶.
۸. مطهری، مرتضی، ده گفتار، صدرا، تهران، ۱۳۸۶.
۹. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، صدرا، تهران، ۱۳۸۶.